

مقایسه مسئولیت کیفری اشخاص دولتی با اشخاص خصوصی

محمد رحمانیان، دکتر عباس تقوایی

گروه حقوق، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران
گروه حقوق، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران (نویسنده مسؤل)

مجله علمی تخصصی حقوق و علوم قضایی (سال دوم)

شماره ۲۴ / جلد ۱ / خرداد ۱۳۹۶ / ص ۶۳-۴۰

چکیده: پیش‌بینی مجازات‌های اشخاص دولتی و مؤسسات عمومی غیردولتی یکی از بارزترین دستاوردهای قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ می‌باشد. بعد از قانون جرایم رایانه‌ای، این قانون دومین قانونی است که به پیش‌بینی مجازات اشخاص حقوقی پرداخته است. از ظاهر ماده «۲۰» قانون مجازات جدید چنین استنباط می‌شود که اشخاص حقوقی دولتی و عمومی غیردولتی تنها در صورتی قابل مجازات است که شخص حقیقی مرتکب جرم نیز مجازات شود چون مجازات شخص حقوقی را علاوه بر مجازات شخص حقیقی دانسته است. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیل انجام گرفته است و گردآوری اطلاعات بصورت کتابخانه‌ای بوده است. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که قانون‌گذار در اولین تجربه خود برای شناسایی نهاد مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی دولتی و عمومی غیردولتی در قانون مجازات ۱۳۹۲، اگرچه قدم مثبتی در جهت پر کردن خلأ قانون موجود در این زمینه برداشته، ولی بی‌نقص عمل نکرده است. مواد مرتبط در قانون مجازات ۱۳۹۲ دارای ابهامات و اجملات فراوانی است که جامعه حقوقی را به انتقاد واداشته و بالأخص دادگاه جزایی را در تصمیم‌گیری دچار تردیدهای فراوان می‌کند. ضروری است قانون‌گذار در جهت رفع این نواقص گام بردارد. قانون‌گذار در جهت شناسایی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی اعم از اشخاص حقوقی دولتی و عمومی غیردولتی، از میان دو نظریه‌ای که در این راستا در نظام‌های مختلف حقوقی شناسایی شده (نظریه مسئولیت مافوق یا کارفرما^۱ و نظریه مغز متفکر^۲)، نظریه دوم که محدودتر محسوب می‌شود را پذیرفته است. البته محکومیت اشخاص حقوقی به دیه از این قاعده مستثناست و نظریه اول در مورد آن پذیرفته شده است.

واژگان کلیدی: چالش؛ تحمیل مسئولیت کیفری؛ دولت؛ اشخاص عمومی غیردولتی

^۱ - به موجب این نظریه به گونه‌ای که مجموعه ساختار و رویه شخص حقوقی را بتوان در ارتکاب این جرم مقصر دانست، شخص حقوقی به خاطر جرایم این کارکنان مسئولیت کیفری خواهد داشت.

^۲ - این نظریه مبتنی بر دیدگاه فرضی بودن اشخاص حقوقی است و برای اشخاص حقوقی به‌خودی‌خود و بی‌واسطه قائل به مسئولیت کیفری نیست و بر این فرض مبتنی است که اشخاص حقوقی، از طریق نمایندگان فردی خود مرتکب جرم می‌شوند.

مقدمه

مسئولیت کیفری شخص حقوقی یکی از مباحثی است که پایه‌های خود را در بسیاری از نظام‌های حقوقی استوار کرده است. موافقان و مخالفان این مسئولیت، برای شناسایی یا نفی آن، به دلایلی استناد می‌کنند. و اما نظام کیفری کشور ما تا قبل از تصویب قانون جرائم رایانه‌ای به معنای اخص و قانون مجازات اسلامی ۹۲ به معنای اعم، هیچ‌گاه به صراحت مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را پیش‌بینی نکرده بود. پیش‌بینی مجازات‌های اشخاص حقوقی یکی از بارزترین دستاوردهای قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ می‌باشد. بعد از قانون جرایم رایانه‌ای، این قانون دومین قانونی است که به پیش‌بینی مجازات اشخاص حقوقی پرداخته است. براساس مقررات قوانین سابق عده‌ای معتقد بودند که «در موارد سکوت مقررات قانونی می‌توان گفت: «تنها اشخاص طبیعی که نماینده اشخاص حقوقی بوده و به نام آنها فعالیت می‌کنند (رئیس، مدیر، مدیرعامل، نماینده، مأمور و مستخدم) ممکن است مرتکب جرم شده و مسئولیت جزایی شخصی آنان مطرح شود، ولی خود شخص حقوقی نه می‌تواند مجرم شناخته شود و نه قابلیت تحمل کیفر را دارد» لیکن با تصویب قانون حاضر، صراحتاً اشخاص حقوقی نیز واجد مسئولیت شناخته شده‌اند. البته طبق صراحت ماده ۲۰ قانون جدید اعمال مجازات برای اشخاص حقوقی مانع از مجازات شخص حقیقی نیست. در خصوص جزای نقدی ماده ۲۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز که از ماده «۳۸-۱۳۱» قانون جزای فرانسه اقتباس گردیده است: «میزان جزای نقدی قابل اعمال بر اشخاص حقوقی حداقل دو برابر و حداکثر چهار برابر مبلغی است که در قانون برای ارتکاب همان جرم به وسیله اشخاص حقیقی تعیین می‌شود»^۱. با تصویب قانون حاضر، صراحتاً اشخاص حقوقی نیز واجد مسئولیت شناخته شده‌اند که نگارنده سعی نموده، تا با توجه به مراتب مذکور، و ضرورت موضوع تحقیق حاضر به بررسی این امر بپردازد.

بند اول: مسئولیت کیفری پیش از تشکیل شرکت

قانون تجارت زمان ایجاد شخصیت حقوقی شرکت‌های تجاری را معین نکرده است؛ لکن این شرکت‌ها از تاریخی دارای شخصیت حقوقی خواهند بود که ایجاد و به عبارت مقنن تشکیل شده باشند. مسئولیت اعمالی که قبل از تشکیل شرکت، توسط مؤسسين شرکت که نمایندگی شخص حقوقی در حال تشکیل را بر عهده دارند، تحت پوشش شخص حقوقی انجام می‌شود، پس از اتمام مراحل تشکیل شرکت و ایجاد شخصیت حقوقی، به عهده شخص حقوقی محول می‌گردد؛ فرض بگیریم معامله‌ای که انجام شده یا تعهدی که مورد قبول قرار گرفته همراه با عمل مجرمانه باشد، آیا مسئولیت کیفری آن هم به شخص حقوقی قابل انتساب هست یا فقط مؤسسين مسئولیت کیفری خواهند داشت؟ به این سؤال پاسخ‌های متفاوتی می‌توان داد:^۲

۱. نمی‌توان مقررات و راه‌حل‌های رشته‌های دیگر حقوق را به حقوق جزا تسری داد (اصل استقلال حقوق جزا) و بر اساس آن مسئولیت کیفری مقرر داشت. این که پس از تشکیل شرکت، تعهدات مدنی و تجاری اعمالی که در زمان تشکیل آن

^۲- معطری، سیامک (۱۳۹۰)، مجموعه مقالات ارتباط تشکلی‌های داوطلب مردمی با دولت، صفحه ۸۱

توسط مؤسسين انجام شده است به شخص حقوقی سرایت می کند دلیل بر آن نمی شود که مسئولیت کیفری آن تعهدات را نیز قابل سرایت به شخص حقوقی تازه تأسیس بدانیم. اصول تفسیر قوانین کیفری هم اجازه این گونه تفسیر موسع قوانین را به ما نمی دهد.

۲. پس از تشکیل شرکت و هنگامی که شرکت تعهد انجام شده در حین تأسیس را با علم به مجرمانه بودن آن بر عهده می گیرد، می توان مسئولیت کیفری را قابل انتساب به شرکت دانست و در واقع خود شرکت است که با پذیرش عالمانه تعهد مزبور مرتکب جرم شده است. در این زمینه تفاوتی میان مسئولیت مدنی و تجاری با مسئولیت کیفری وجود ندارد.

۳. پاسخ دیگر این است که چنانچه قاضی جزایی در حین رسیدگی به پرونده، شخصیت حقوقی شرکت را احراز کند، می تواند مسئولیت کیفری اعمال انجام شده را برای شخص حقوقی مقرر بدارد. با توجه به استقلال حقوق جزا از سایر رشته ها، قاضی جزایی الزامی به پیروی از قواعد سایر رشته های حقوق ندارد قاضی جزایی باید به صورت دقیق بررسی کند و در صورت لزوم مسئولیت را به زمان انجام عمل مجرمانه هم سرایت دهد.

پاسخ اول با توجه به استدلالات ذکر شده و مبانی و اصول حقوق جزا، منطقی تر می نماید؛ زیرا در زمان انجام تعهد یا عمل مجرمانه، تمامی ارکان جرم محقق بوده و جرم به وقوع پیوسته، در حالی که شخصیت حقوقی شرکت در آن زمان شکل نگرفته است و در زمانی که شخصیت حقوقی شرکت شکل می گیرد، دیگر عملی انجام نمی شود و نمی توان شخصیت حقوقی شکل گرفته را عطف به سابق کرد.^۴ با این وجود ابهام موجود در ماده راه را بر صدور احکام متناقض باز می گذارد و جا دارد که قانون گذار وارد میدان شده و ابهامات موجود در ماده را برطرف نماید.

بند دوم: مسئولیت کیفری شرکت در مدت تسویه

یک شرکت تا چه زمانی ادامه حیات می دهد و تا چه زمانی مسئولیت کیفری خواهد داشت؟ پایان حیات یک شرکت با انحلال به حکم دادگاه، ورشکستگی و اضمحلال آن فرامی رسد که در هر صورت باید با توجه به منافع طلبکاران، دوران تصفیه را سپری کند. در دوران تصفیه شخصیت حقوقی شرکت زایل نمی شود. لکن شخصیت حقوقی آن در این مرحله یک شخصیت کامل نیست؛ بلکه یک شخصیت ناقص و کاهش یافته است. مدیر تصفیه در مدت تصفیه جایگزین مدیریت و نماینده شرکت خواهد بود تا تمام امور مربوط به تصفیه را انجام دهد. حال اگر در این مدت مدیر تصفیه در اعمالی که به نام شخص حقوقی انجام می دهد، مرتکب جرمی شود آیا شخص حقوقی مسئولیت کیفری خواهد داشت یا خیر؟ همان طور که می دانیم با مرگ اشخاص حقیقی، تعقیب کیفری و اجرای مجازات آن ها متوقف می شود. دلیل آن هم اصل شخصی بودن مجازات هاست. ولی در مورد شرکت ها به علت ادامه داشتن شخصیت حقوقی شرکت تا پایان عملیات تصفیه، انحلال شرکت مانع تعقیب آن در مدت تصفیه نخواهد شد. البته باید توجه داشت

^۴ - ره پیک، ح. ۱۳۹۰. حقوق مسئولیت مدنی و جبران ها، چاپ پانزدهم، تهران: انتشارات خرسندی. صفحه ۵۳

که ادامه شخصیت حقوقی شرکت پس از انحلال به دلیل ضرورت تصفیه امور شرکت است و لذا تنها اگر جرم ارتكابی در ارتباط با اعمالی باشد که مربوط به امور تصفیه است، شخص حقوقی همچنان مسئولیت کیفری خواهد داشت. طبیعی است به منظور حفظ حقوق طلبکاران اگر شخص حقوقی پیش از انحلال به مجازات جزای نقدی یا مصادره محکوم شده باشد، در صورت عدم اجرا تا زمان انحلال تا پایان عملیات تصفیه به تأخیر خواهد افتاد.^۵ در این مورد ماده ۱-۱۳۳ قانون جزای فرانسه نیز مقرر می‌دارد:

«... وصول جریمه ... و مصادره بعد از انحلال شخص حقوقی تا پایان عملیات تصفیه به تأخیر می‌افتد».

بند سوم: مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی فرعی

دو حالت دیگری که به انحلال شرکت شبیه است، حالت‌های ادغام و تبدیل شرکت است. ادغام دو یا چند شرکت وقتی حاصل می‌شود که یک شرکت، شرکت دیگری را در خود حل می‌کند یا دو یا چند شرکت در هم حل شده و شرکت جدیدی از آن‌ها به وجود می‌آید. منظور از تبدیل شرکت نیز این است که بدون محو شخصیت حقوقی قبلی و ایجاد شخصیت حقوقی جدید برای آن، شرکت شکل و قالبی نو پیدا کند؛ به عنوان مثال شرکت سهامی خاص با حفظ شخصیت حقوقی خود به شرکت سهامی عام تبدیل شود یا شرکت تضامنی به شرکت سهامی عام یا خاص تبدیل گردد. حال قابل تصور است که در شرکت، پس از ارتكاب جرم و قبل از صدور حکم قطعی ادغام یا تبدیل رخ دهد، آیا مسئولیت کیفری همچنان پابرجاست؟ در مورد ادغام باید گفت که در قوانین ایران مقررات منظمی در مورد نظام حقوقی حاکم بر ادغام شرکت‌ها وجود ندارد، لکن با توجه به این که در نتیجه ادغام، شرکت‌های سابق امحاء و شرکت جدیدی ایجاد خواهد شد، عدم مسئولیت کیفری شرکت جدید در برابر رفتار مجرمانه هر یک از شرکت‌ها پیش از ادغام موجه می‌نماید. البته این امر می‌تواند مفری برای شرکت‌ها از مسئولیت کیفری باشد؛ بدین نحو که مؤسسين شرکت پس از ارتكاب جرم برای گریز از مسئولیت، دست به ادغام شرکت با شرکتی دیگر بزنند؛ اما لازم است برای جلوگیری از این امر، تدبیری توسط قانون‌گذار اندیشیده شود (البته طبیعی است در مورد سایر اشخاص حقوقی هم ادغام قابل تصور است).^۶ در مورد تبدیل شرکت‌ها، با توجه به آن که حقوقدانان به عدم تغییر تعهدات شرکت پس از تبدیل ابراز عقیده نموده‌اند، موجه است که تبدیل شرکت مانعی برای مسئولیت کیفری شناخته نشود.

^۵- زراعت، ع. ۱۳۹۲. شرح مختصر قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲)، تهران: ققنوس، صفحه ۷۲

^۶- شریف، ع. ۱۳۹۰، انتساب مسئولیت کیفری به اشخاص حقوقی و نهادهای دولتی، مجله کانون وکلای دادگستری مرکز، شماره ۲۱۲، بهار.

مورد دیگری که در قانون مبهم است، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی فرعی است. گاه یک شرکت فرعی در گروه شرکت یا وابسته به شرکت مادر مرتکب رفتار مجرمانه می‌گردد و موجب طرح این سؤال می‌شود که مسئولیت کیفری در قبال آن رفتار مجرمانه متوجه شرکت فرعی است یا گروه شرکت و شرکت مادر؟ برخی با این استدلال که شرکت فرعی فاقد اختیارات لازم و مقهور سلطه گروه شرکت یا شرکت مادر است، عمل آن را فاقد وصف مجرمانه دانسته و مسئولیت را متوجه گروه شرکت یا شرکت مادر می‌دانند. برخی دیگر بر این باورند که شرکت فرعی مباشر جرم است و شرکت مادر با اخذ تصمیمات کلی زمینه‌ساز ارتکاب جرم توسط شرکت فرعی است و بنابراین هر دو مسئولیت کیفری دارند. گروه سوم می‌گویند که هر شرکت در یک گروه شرکت از ماهیت قانونی مستقل برخوردار است و لذا یک شرکت فرعی در گروه شرکت، معمولاً در برابر رفتار مجرمانه خود به تنهایی مسئولیت دارد.

بند چهارم: مسئولیت کیفری و استنکاف مأموران دولتی و غیردولتی

۱- اختلاس:

رایج ترین جرم ارتكابی توسط کارکنان شاغل در دستگاههای دولتی، جرم اختلاس می باشد. به موجب قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس و کلاهبردای مصوب سال ۱۳۹۲- «هر یک از کارکنان و کارمندان ادارات و سازمانها یا شوراها و یا شهرداریها و موسسات شرکتهای دولتی و یا وابسته به دولت و یانهادهای عمومی غیردولتی و نهادهای انقلابی و دیوان محاسبات و موسساتی که به کمک مستمر دولت اداره می شوند و یا دارندگان پایه قضائی و بطور کلی قوای سه گانه و همچنین نیروهای مسلح و مامورین به خدمت عمومی اعم از رسمی یا غیررسمی وجوه یا مطالبات یا حواله ها یا سهام و اسناد و اوراق بهادار و یا سایر اموال متعلق به هر یک از سازمانها و موسسات فوق الذکر و یا اشخاصی را که بر حسب وظیفه به آنها سپرده شده است به نفع خود یا دیگری برداشت و تصاحب نماید مختلس محسوب خواهد شد.

۲- رشاء و ارتشاء:

به موجب قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس و ارتشاء و کلاهبرداری ۱۳۹۲ «هریک از مستخدمین و مامورین دولتی اعم از قضائی واداری یا شوراها یا شهرداریها یا نهادهای انقلابی و به طور کلی قوای سه گانه و همچنین نیروهای مسلح یا شرکتهای دولتی یا سازمانهای دولتی وابسته به دولت و یا مامورین به خدمت عمومی خواه رسمی یا غیر رسمی برای انجام دادن یا انجام ندادن امری که مربوط به سازمانهای مزبور می باشد وجه یا مال یا سند پرداخت وجه یا تسلیم مالی را مستقیماً یا غیرمستقیم قبول نماید در حکم مرتشی است اعم از اینکه امر مذکور مربوط به وظایف آنها بوده یا آنکه مربوط به مامور دیگری در آن سازمان باشد، خواه آن کار را انجام داده یا نداده و انجام آن بر طبق حقانیت و وظیفه بوده یا نبوده باشد و یا آنکه در انجام یا عدم انجام آن موثر بوده یا

نبوده باشد به ترتیب زیر مجازات می شود:^۷ در صورتیکه قیمت مال یا وجه مأخوذ بیش از بیست هزار ریال نباشد به انفصال موقت از ۶ ماه تا ۳ سال و چنانچه مرتکب در مرتبه مدیر کل یا همپراز مدیر کل یا بالاتر باشد به انفصال دائم از مشاغل دولتی محکوم خواهد شد و بیش از این مبلغ تا دویست هزار ریال از ۱ سال تا ۳ سال حبس و جزای نقدی معادل قیمت مال یا وجه مأخوذ و انفصال موقت از ۶ ماه تا ۳ سال محکوم خواهد شد و چنانچه مرتکب در مرتبه مدیر کل یا همپراز مدیر کل یا بالاتر باشد به جای انفصال موقت به انفصال دائم از مشاغل دولتی محکوم خواهد شد.

۳- تصرف غیرقانونی در اموال:

به موجب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲: «هر یک از کارمندان و کارکنان ادارات و سازمانها یا شوراها ویا شهرداریها و موسسات و شرکتهای دولتی و یا وابسته به دولت و یا نهادهای انقلابی و بنیادها و موسساتی که زیرنظر ولی فقیه اداره می شوند و دیوان محاسبات و موسساتی که به کمک مستمر دولت اداره می شوند و یا دارندگان پایه قضائی و بطور کلی اعضاء و کارکنان قوای سه گانه و همچنین نیروهای مسلح و مامورین به خدمات عمومی اعم از رسمی و غیررسمی وجوه نقدی یا مطالبات یا حوالجات یا سهام و سایر اسناد و اوراق بهادار یا سایر اموال متعلق به هر یک از سازمانها یا موسسات فوق الذکر یا اشخاصی که برحسب وظیفه به آنها سپرده شده است را مورد استفاده غیرمجاز قرار دهد بدون آنکه قصد تملک آنها را به نفع خود یا دیگری داشته باشد، متصرف غیرقانونی محسوب و علاوه بر جبران خسارت وارده و پرداخت اجرت المثل به شلاق تا (۷۴) ضربه محکوم می شود و در صورتیکه منتفع شده باشد علاوه بر مجازات مذکور به جزای نقدی معادل مبلغ انتفاعی محکوم خواهد شد^۸ و همچنین است در صورتیکه به علت اهمال یا تفریط موجب تضییع اموال و وجوه دولتی گردد و یا آنرا به مصارفی برساند که در قانون اعتباری برای آن منظور نشده یا در غیر مورد معین یا زاید بر اعتبار مصرف نموده باشد.

تصرف غیرقانونی در اموال دولتی تشابه زیادی به جرم اختلاس دارد ولیکن عنصر مادی جرم اختلاس تصاحب و برداشت و یا اتلاف عمدی می باشد و عنصر مادی جرم تصرف غیرقانونی استفاده غیرمجاز بدون قصد تملک به نفع خود یا دیگری و همچنین اهمال یا تفریط منجر به تضییع اموال و وجوه دولتی و نیز به مصرف رسانیدن در اموری که قانون اعتباری برای آن قائل نشده و یا به مصرف رسانیدن در غیرمورد معین یا زائد بر اعتبار می باشد، می توان اختلاس و تصرف غیرقانونی را از یکدیگر بازشناخت. موضوع جرم تصرف غیر قانونی اموال اعم از اموال منقول و غیر منقول و وجه نقد و نیز اسناد و اوراق بهادار متعلق به دولت و یا اشخاص می باشد که بر حسب وظیفه به مامور دولت سپرده شده است.

^۷- زراعت، ع. ۱۳۹۲. شرح مختصر قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲)، تهران: ققنوس، صفحه ۲۹

^۸- زراعت، منبع پیشین، صفحه ۳۰

اگر متصدی وزارتخانه وجوه موجود در وزارتخانه را بردارد و به همان مبلغ از حساب جاری خود چک در وزارتخانه بگذارد چنین عمل تصرف غیرقانونی تلقی می شود. (حکم شماره ۱۳۵۹ مورخ ۱۳۱۸/۶/۱۷) بنا به مراتب فوق الذکر در صورتی که هر یک از کارکنان وزارتخانه در اموال و وجوه اوراق بهادار متعلق به وزارتخانه استفاده غیرقانونی نمایند بدون آنکه این اموال را به نفع خود یا دیگری تملک نمایند، به عنوان متصرف غیرقانونی در اموال دولتی قابل تعقیب و پیگیری خواهند بود.

۴- تدلیس در معاملات دولتی:

به موجب ماده ۵۹۹ قانون مجازات اسلامی: «هر شخص عهده دار انجام معامله یا ساختن چیزی یا نظارت در ساختن یا امر به ساختن آن برای هر یک از ادارات و سازمانها و موسسات مذکور در ماده ۵۹۸ بوده است بواسطه تدلیس در معامله از جهت تعیین مقدار یا صفت یا قیمت بیش از حد متعارف مورد معامله یا تقلب در ساختن آن چیز نفعی برای خود یا دیگری تحصیل کند علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از ۶ ماه تا ۵ سال محکوم خواهد شد.»^۹ تدلیس در لغت به معنای فریب دادن، پوشاندن عیب چیزی و فریبکاری می باشد و از نظر حقوقی به مفهوم صحنه سازی و اغفال و فریب دیگری جهت تحصیل منفعتی می باشد.

۵- تبانی در معاملات دولتی:

به موجب ماده واحده قانونی تبانی در معاملات دولتی مصوب سال ۱۳۴۸: «اشخاصی که در معاملات یا مناقصه ها و مزایده های دولتی یا شرکتها و موسسات وابسته به دولت یا مامور به خدمات عمومی و یا شهرداریها یا یکدیگر تبانی کنند و در نتیجه ضرری متوجه دولت و یا شرکتها و موسسات مذکور شود به حبس جنحه ای از یک تا سه سال و جزای نقدی به میزان آنچه من غیر حق تحصیل کرده اند محکوم می شوند هرگاه مستخدمین دولت یا شرکتها و یا موسسات مزبور یا شهرداریها و همچنین کسانی که به نحوی از انحاء از طرف دولت یا شرکتها و یا موسسات فوق در انجام معامله یا مناقصه یا مزایده دخالت داشته باشند و با علم یا اطلاع از تبانی معامله را انجام دهند یا به نحوی در تبانی شرکت یا معاونت کنند به حداکثر مجازات حبس و انفصال ابد از خدمات دولتی و شرکتها و موسسات وابسته به دولت و شهرداریها محکوم خواهند شد. در کلیه موارد مذکور در صورتیکه عمل مطابق قانون مستوجب کیفر شدیدتر باشد مرتکب به مجازات اشد محکوم خواهد شد.

۶- اخذ مال زائد بر میزان قانونی:

به موجب ماده ۶۰۰ قانون مجازات اسلامی: «هر یک از مسئولین دولتی و مستخدمین و مامورینی که مامور تشخیص یا تعیین یا محاسبه یا وصول وجه یا مالی به نفع دولت است برخلاف قانون یا زیاده بر مقررات قانونی اقدام و وجه یا مالی اخذ یا امر به اخذ

^۹ -۹- زراعت، منبع پیشین، صفحه ۳۱

نماید به حبس از دو ماه تا یک سال محکوم خواهد شد). مجازات مذکور در این ماده در مورد مسئولین و مامورین شهرداری نیز مجری است و در هر حال آنچه بر خلاف قانون و مقررات اخذ نموده است به ذیحق مسترد می گردد.

۷- تحصیل منفعت در معاملات دولتی:

به موجب ماده ۶۰۳ قانون مجازات اسلامی: «هر یک از کارمندان و کارکنان و اشخاص عهده دار وظیفه مدیریت و سرپرستی در وزارتخانه ها و ادارات و سازمانهای مذکور در ماده (۵۹۸) که بالمباشره یا بواسطه در معاملات و مزایده ها و مناقصه ها و تشخیصات و امتیازات مربوط به دستگاه متبوع، تحت هر عنوانی اعم از کمیسیون یا حق الزحمه و حق العمل یا پاداش برای خود یا دیگری نفعی در داخل یا خارج کشور از طریق توافق یا تفاهم یا ترتیبات خاص یا سایر اشخاص یا نمایندگان و شعب آنها منظور دارد یا بدون ماموریت از طرف دستگاه متبوعه بر عهده آن چیزی بخرد یا بسازد یا در موقع پرداخت وجوهی که حسب وظیفه بر عهده او بوده یا تفریح حسابی که باید به عمل آورد برای خود یا دیگری نفعی منظور دارد به تأدیه دو برابر وجوه و منافع حاصله از این طریق محکوم می شود^{۱۰} و در صورتیکه عمل وی موجب تغییر در مقدار یا کیفیت مورد معامله یا افزایش قیمت تمام شده آن گردد به حبس از ۶ ماه تا ۵ سال و یا مجازات نقدی از سه تا سی میلیون ریال نیز محکوم خواهد شد.»

۸- استنکاف مامور از پرداخت اجرت اجیر یا مباشر:

به موجب ماده ۶۰۱ قانون مجازات اسلامی: «هر یک از مستخدمین و مامورین دولتی که بر حسب ماموریت خود اشخاص را اجیر یا استخدام کرده یا مباشرت حمل و نقل اشیائی را نموده باشد و تمام یا قسمتی از اجرت اشخاص یا اجرت حمل و نقل را که توسط آنان به عمل آمده است به حساب دولت آورده ولی نپرداخته باشد به انفسال موقت از ۳ ماه تا ۳ سال محکوم می شود و همین مجازات مقرر است درباره مستخدمینی که اشخاص را به بیگاری گرفته و اجرت آنها را خود برداشته و به حساب دولت منظور نموده است و در هر صورت باید اجرت مأخوذه را به ذیحق مسترد نماید.»

۹- جعل و استفاده از سند مجعول:

جعل عبارت است از ساختن یا تغییر دادن آگاهانه نوشته یا سایر موارد مذکور در قانون به قصد جا زدن آنها به عنوان اصل برای استفاده خود یا دیگری با علم به قابلیت اضرار به غیر.

به موجب ماده ۵۳۲ قانون مجازات اسلامی: «هر یک از کارمندان و مسئولان دولتی که در اجرای وظیفه خود در احکام و تقریرات واسناد و سجلات و دفاتر و غیر آنها از نوشته ها و اوراق رسمی تزویر کند اعم از اینکه امضاء یا مهری را ساخته یا امضاء یا مهر یا

^{۱۰} -^{۱۰} -زراعت، منبع پیشین، صفحه ۳۲

خطوط را تحریف کرده یا کلمه ای الحاق کند یا اسامی اشخاص را تغییر دهد علاوه بر مجازاتهای اداری و جبران خسارت وارده به حبس از یک تا پنج سال یا به پرداخت شش تا سی میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.»

با توجه به ماده ۵۲۳ قانون مجازات اسلامی جعل و تزویر عبارت است از: (ساختن نوشته یا سند یا چیز دیگری برخلاف حقیقت یا ساختن مهر یا امضای اشخاص رسمی یا غیر رسمی یا بقصد خراشیدن یا تراشیدن یا قلم بردن یا الحاق یا محو یا اثبات یا سیاه کردن یا تقدیم یا تاخیر سند نسبت به تاریخ حقیقی یا الصاق متقلبانه نوشته به نوشته دیگری یا بکار بردن مهر دیگری بدون اجازه صاحب آن و نظائر اینها به قصد تقلب).

۱۰- اخفاء یا معدوم نمودن یا تسلیم اسناد به اشخاص فاقد صلاحیت:

به موجب ماده ۶۰۴ قانون مجازات اسلامی: «هر یک از مستخدمین دولتی اعم از قضائی و اداری نوشته ها و اوراق و اسنادی که حسب وظیفه به آنان سپرده شده یا برای انجام وظایفشان به آنها داده شده است را معدوم یا مخفی نماید یا به کسی بدهد که به لحاظ قانون از دادن به آن کس ممنوع باشد علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از ۳ ماه تا ۱ سال محکوم خواهد شد»

۱۱- اظهار نظر یا اقدام مغرضانه و برخلاف حق:

به موجب ماده ۶۰۵ قانون مجازات اسلامی: «هر یک از مامورین ادارات و موسسات مذکور در ماده (۵۹۸) که از روی غرض و برخلاف حق درباره یکی از طرفین اظهار نظر یا اقدامی کرده باشد به حبس تا سه ماه یا مجازات نقدی تا مبلغ یک میلیون و پانصد هزار ریال و جبران خسارت وارده محکوم خواهد شد.»

۱۲- عدم اعلام وقوع جرم:^{۱۱}

به موجب ماده ۶۰۶ قانون مجازات اسلامی: «هر یک از روسا یا مدیران یا مسئولین سازمانها و موسسات مذکور در ماده (۵۹۸) که از وقوع رم ارتشاء یا اختلاس یا تصرف غیرقانونی یا کلاهبرداری یا جرائم موضوع مواد (۵۹۹) و (۶۰۳) در سازمان یا موسسات تحت اداره یا نظارت خود مطلع شده و مراتب را حسب مورد به مراجع صلاحیتدار قضائی یا اداری اعلام ننماید علاوه بر حبس از شش ماه تا دو سال به انفعال موقت از شش ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.»

۱۳- سوء استفاده از مقام:

۱۱- زراعت، منبع پیشین، صفحه ۳۳

به موجب ماده ۵۷۶ قانون مجازات اسلامی: «چنانچه هر یک از صاحب منصبان و مستخدمین و مامورین دولتی و شهرداریهای در هر رتبه و مقامی که باشد از مقام خود سوءاستفاده نموده و از اجرای اوامر کتبی دولتی یا اجرای قوانین مملکتی و یا اجرای احکام یا اوامر مقامات قضائی یا هرگونه امری که از طرف مقامات قانونی صادر شده باشد جلوگیری نماید به انفصال از خدمات دولتی از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد.»

مقصود از قید « از مقام خود سوء استفاده نموده» آن است که مامور دولتی تحت حمایت قانون و با سوء استفاده نمودن از اختیارات و قدرتی که به منظور انجام وظایف قانونی به وی اعطاء شده، از اجرای اوامر سایر مقامات دولتی و یا قضائی و یا اجرای قوانین جلوگیری کند.

کلمه قوانین در مفهوم عام شامل مجموعه قواعدی است که به تصویب مقامات صلاحیت دار می رسد و به این اعتبار شامل آئین نامه، تصویب نامه و بخشنامه های داخلی وزارتخانه نیز می گردد.

۱۴- سوء استفاده از مقام در خرید یا تسلط بر حق غیر: ۱۲

به موجب ماده ۵۸۱ قانون مجازات اسلامی: « هر یک از صاحب منصبان و مستخدمین و مامورین دولتی که با سوء استفاده از شغل خود به جبر و قهر مال یا حق کسی را بخرد یا بدون حق برآن مسلط شود یا مالک را اکراه به فروش به دیگری کند علاوه بر رد عین مال یا معادل نقدی قیمت مال یا حق، به مجازات حبس از یک سال تا سه سال یا جزای نقدی از شش تا هجده میلیون ریال محکوم می گردد.»

۱۵- مداخله در معاملات و داوریهای دولتی:

به موجب لایحه قانونی منع مداخله کارمندان دولت در معاملات دولتی مصوب سال ۱۳۳۷ کارکنان سازمان یا بنگاهها یا شرکت یا بانک یا هر موسسه دیگر که اکثریت سهام یا اکثریت منافع یا مدیریت یا اداره کردن یا نظارت آن متعلق به دولت یا شهرداریها و یا دستگاههای وابسته به آنها باشد از مداخله در انواع معاملات اعم از مقاطعه کاری، حق العمل کاری و مزایده و مناقصه و هر گونه معامله ان دستگاه ممنوع می باشد.

به موجب تبصره ۱ ماده ۱ این قانون « پدر و مادر و برادر و خواهر و زن یا شوهر و اولاد بلافصل و عروس و داماد اشخاص مندرج در این قانون و همچنین شرکت ها و موسساتی که اقرباء فوق الذکر در آن سهیم و یا دارای سمت باشند نمی توانند با وزارتخانه ها و یا بانکها و یا شهرداریها و یا سازمانها و یا سایر موسسات مذکور در این قانون که این اشخاص در آن سمت وزارتخانه و یا معاونت و یا مدیریت دارند وارد معامله یا دادرسی شوند به موجب ماده ۲ این قانون « اشخاصی که بر خلاف مقررات ماده فوق شخصاً و یا

۱۲- ۱۱- زراعت، منبع پیشین، صفحه ۳۴

بنام و یا واسطه اشخاص دیگر مبادرت به انجام معامله نمایند و یا بعنوان دآوری در دعاوی فوق اشاره شرکت کنند وهمچنین هر یک از مستخدمین دولتی و سایر اشخاص مذکور در ماده فو در هر رتبه و درجه و مقامی که باشند هرگاه برخلاف مقررات این قانون عمل نمایند به حبس از ۲ تا ۴ سال محکوم خواهند شد و ... معاملات مذکور باطل بوده و متخلف شخصاً و در صورت تعدد متضامناً مسئول پرداخت خسارات ناشی از آن معامله یا دآوری و ابطال آن می باشند.

۱۶- تخریب و اتلاف اموال و اسناد:

به موجب ماده ۶۷۷ قانون مجازات اسلامی: «هر کس عمداً اشیاء منقول و یا غیر منقول متعلق به دیگری را تخریب نماید یا به هر نحوه کلاً یا بعضاً تلف نماید و یا از کار اندازد به حبس از ۶ ماه تا ۳ سال محکوم خواهد شد.»

همچنین و با توجه به دو ماده فوق الذکر هر گاه کارکنان وزارتخانه نسبت به اتلاف و تخریب و تحریق اموال و اسناد وزارتخانه مبادرت نمایند به مجازات مقرر در مواد فوق محکوم میگردند.

۱۷- اهمال در نگهداری از اسناد و مدارک دولتی:

به موجب ماده ۵۴۴ قانون مجازات اسلامی: (هرگاه بعضی یا کل نوشته ها یا اسناد یا اوراق یا دفاتر یا مطالبی که در دفاتر ثبت و ضبط دولتی مندرج یا در اماکن دولتی محفوظ یا نزد اشخاصی که رسماً مأمور حفظ آنها هستند سپرده شده باشد، ربهوده یا تخریب یا برخلاف مقررات معدوم شود، دفتر دار و مباشر ثبت و ضبط اسناد مذکور و سایر اشخاص که بواسطه اهمال آنها جرم مذکور وقوع یافته است، به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم خواهند شد.) عنصر مادی این جرم اهمال است و مقصود از اهمال نیز قصور و تقصیر است که اعم از بی احتیاطی، بی مبالاتی و عدم رعایت نظامات است.

۱۸- اقدام خلاف قانون اساسی بر حسب امضاء مجعول:

به موجب ماده ۵۷۱ قانون مجازات اسلامی: «هر گاه اقداماتی که بر خلاف قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می باشند بر حسب امضاء ساختگی وزیر یا مأمورین دولتی به عمل آمده باشد، مرتکب و کسانی که عالماً آن را به کار برده باشند به حبس از ۳ تا ۱۰ سال محکوم خواهند شد.»

۱۹- تاثیر نفوذ اشخاص در تصمیمات اداری:

به موجب ماده ۳ قانون مجازات اعمال نفوذ بر خلاف حق و مقررات قانونی مصوب سال ۱۳۱۵: (مستخدمین دولتی یا شهرداری یا کشوری یا مأمورین به خدمات عمومی که نفوذ اشخاص را در اقدامات یا تصمیمات اداری خود تاثیر به محرومیت از شغل دولتی از

۲ الی ۵ سال محکوم می شوند و در صورتیکه اقدام یا تصمیم مزبور مستلزم تقویت حقی از شخص یا دولت باشد محکوم به انفصال ابد از خدمات دولتی خواهند شد مگر آنکه این عمل مشمول قوانین دیگری جزائی باشد.»

۲۰- انتشار و افشای اسناد محرمانه و سری دولتی^{۱۳}

به موجب ماده ۲ قانون مجازات انتشار و افشای اسناد محرمانه و سری دولتی مصوب سال ۱۳۵۳: «هر یک از کارکنان سازمانها و موسسات دولتی که حسب وظیفه مامور حفظ اسناد سری و محرمانه دولتی بود یا حسب وظیفه اسناد مزبور در اختیار او بوده و آنها را انتشار داده یا افشاء نماید یا خارج از حدود وظایف اداری در اختیار دیگران قرار دهد یا به هر نحو، دیگری را از مفاد آنها مطلع سازد در مورد اسناد سری به حبس جنایی درجه ۲ از دو تا ده سال و در مورد اسناد محرمانه به حبس جنحه ای از شش ماه تا سه سال محکوم می شود: همین مجازات حسب مورد مقرر است درباره کسانی که این اسناد را با علم و اطلاع از سری یا محرمانه بودن آن چاپ یا منتشر نموده و یا موجبات چاپ یا انتشار آن را فراهم نمایند. در صورتیکه افشای مفاد اسناد مذکور در اثر عدم رعایت نظامات یا در اثر غفلت و مسامحه مامور حفاظت آنها صورت گرفته باشد مجازات اوسه ماه تا شش ماه حبس جنحه ای خواهد بود.

۲۱- اخذ پورسانت در معاملات خارجی

به موجب ماد واحد قانون ممنوعیت اخذ پورسانت در معاملات خارجی مصوب سال ۱۳۷۲ قبول هر گونه پورسانت از قبیل وجه، مال، سند پرداخت وجه یا تسلیم مال تحت هر عنوان به طور مستقیم یا غیرمستقیم در رابطه با معاملات خارجی قوای سه گانه، سازمانها، شرکتها و موسسات دولتی، نیروهای مسلح، نهادهای انقلابی، شهرداریها و کلیه تشکیلات وابسته به آنها ممنوع است. مرتکب علاوه بر رد پورسانت یا معادل آن به دولت به حبس تعزیری از ۲ تا ۵ سال و جزای نقدی برابر پورسانت محکوم می گردد.

حسب تبصره ۱- مجازات شروع به این جرم حداقل مجازات مقرر در ماده مذکور است و در صورتی که نفس عمل انجام شده نیز جرم باشد مرتکب به مجازات آن جرم نیز محکوم خواهد شد.

وفق تبصره ۲- در صورتی که شخص حقیقی یا حقوقی خارجی طرف معامله، پورسانت می پردازد موضوع به اطلاع مسئول دستگاه ذیربط رسانده می شود و وجه مزبور دریافت و تماماً به حساب خزانه واریز می گردد در این صورت اقدام کننده مشمول ماده فوق نخواهد بود.

۲۲- مفتوح، توقیف یا معدوم کردن مراسلات اشخاص و استراق سمع

^{۱۳} -۱۳- زراعت، منبع پیشین، صفحه ۳۵

برابر ماده ۵۸۲ قانون مجازات اسلامی- (هر یک از مستخدمین و مامورین دولتی، مراسلات یا مخابرات یا مکالمات تلفنی اشخاص را در غیر مواردی که قانون اجازه داده حسب مورد مفتوح یا توقیف یا معدوم یا بازرسی یا ضبط یا استراق سمع نماید یا بدون اجازه صاحبان آنها مطالب آنها را افشاء نماید به حبس از یک سال تا سه سال و با جزای نقدی از شش تا هجده میلیون ریال محکوم خواهد شد).

۲۳- استنکاف از اجرای دستور موقت صادره از دیوان عدالت اداری

حسب ماده ۲۶ قانون دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۸۵- سازمانها، ادارات، هیاتها و ماموران طرف شکایت پس از صدور ابلاغ دستور موقت، مکلفند بر طبق آن اقدام نمایند و در صورت استنکاف، شعبه صادر کننده دستور موقت، متخلف را به انفصال موقت از شغل به مدت شش ماه تا یک سال و جبران خسارت وارده محکوم می نماید.

۲۴- عدم ارائه اسناد و مدارک مورد نیاز سازمان بازرسی کل کشور

به موجب ماده ۸ قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور مصوب سال ۱۳۶۰ : کلیه مسولان ذیربط در وزارتخانه ها و ادارات و سازمانها و موسسات اسناد و اطلاعات و مدارک مورد لزوم در تحقیقات را بدون هر گونه فوت وقت در اختیار بازرسی یا بازرسان اعزامی قرار داده و همکاری لازم را مبذول دارند.

حسب تبصره ۱: تخلف از تکلیف مندرج در این ماده موجب حبس جنحه ای از سه ماه تا شش ماه یا انفصال موقت از خدمت دولت تا یک سال خواهد بود.

۲۵- ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل

ماده واحده قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل مصوب سال ۱۳۷۳ اشعار می دارد: با توجه به اصل ۱۴۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هر شخص می تواند تنها یک شغل دولتی را عهده دار شود.

قانون فوق الذکر طی ۹ تبصره به تعریف پاره ای از اصطلاحات مربوطه و تعیین کیفرهای نقض این ممنوعیت بشرح ذیل پرداخته است.

تبصره ۱- سمت های آموزشی در دانشگاهها و موسسات آموزشی و تحقیقاتی از این حکم مستثنی می باشند.

تبصره ۲- منظور از شغل عبارت است از وظایف مستمر مربوط به پست سازمانی، یا شغل و یا پستی که به طور تمام وقت انجام می شود.

تبصره ۳- شرکت و عضویت در شوراهای عالی، مجامع عمومی، هیات های مدیره و شوراهای موسسات و شرکتهای دولتی که به عنوان نمایندگان قانون سهام دولت و به موجب قانون و یا در ارتباط با وظایف و مسئولیتهای پست و یا شغل سازمانی صورت می گیرد شغل دیگر محسوب نمی گردد لکن پرداخت یا دریافت حقوق بابت شرکت و یا عضویت در موارد فوق ممنوع خواهد بود.

تبصره ۴- تصدی هر نوع شغل دولتی دیگر در موسساتی که تمام یا قسمتی از سرمایه آن متعلق به دولت و یا موسسات عمومی است و نمایندگی مجلس شورای اسلامی، وکالت دادگستری، مشاوره حقوقی و ریاست و مدیریت عامل یا عضویت در هیات مدیره انواع شرکتهای خصوصی جز شرکتهای تعاونی ادارات و موسسات برای کارکنان دولت ممنوع است.

تبصره ۵- متخلف از این قانون به انفصال خدمت موقت از ۶ ماه تا یکسال محکوم می گردد و وجوه دریافتی از مشاغلی که در یک زمان تصدی آن را داشته است به جز حقوق و مزایای شغل اصلی وی مسترد می گردد. در صورت تکرار در مرتبه دوم، علاوه بر استرداد وجوه موضوع این تبصره به انفصال دائم از مشاغل محکوم می گردد.

تبصره ۶- آمر و صادر کننده احکام در صورت اطلاع به نصف مجازات مذکور در صدر تبصره محکوم می گردند.

تبصره ۷- مسئولین ذیحسابی و واحدهای مالی دستگاههای دولتی در صورت پرداخت حقوق و مزایا بابت شغل دیگر، در صورت مطلع بودن از شغل دوم به انفصال خدمت موقت بین ۳ تا ۶ ماه محکوم خواهند گردید.

تبصره ۸- افرادی که مستقیماً از سوی مقام معظم رهبری به سمت هائی در دستگاههای مختلف منصوب می گردند از شمول مفاد این قانون مستثنی خواهند بود.

تبصره ۹- کلیه سازمانها، نهادها و ارگانهای که به نحوی از بودجه عمومی استفاده می نمایند و شرکت ها و موسسات دولتی و وابسته به دولت و موسساتی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است مشمول این قانون می باشند.

مجازات های کیفری شخص حقوقی دولتی

تا قبل از تصویب قانون مجازات جدید، سخن از پذیرفتن مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی به عنوان یک قاعده در نظام کیفری کشور ما مبالغه و نادرست بود. در قوانینی هم که خطاب قانونگذار اشخاص حقوقی بود، تعیین مجازات به تنهایی به معنای پذیرفتن مسئولیت کیفری اشخاص مذکور نبود. نخست، در بین ضمانت اجرای کیفری باید میان کیفر به معنای اخص از یک سو و اقدامات تأمینی از سوی دیگر قائل به تفاوت شد. اقداماتی نظیر بستن مؤسسه یا تعطیلی موقت آن، و نیز اقدامات تربیتی مجموعاً تدابیر دفاع اجتماعی محسوب، و مستقل از مسئولیت فاعل اتخاذ می شوند.

به عنوان نمونه از مقررهای که به مسئولیت کیفری فرد می پردازد، به ماده ۷۹ قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در اجراء سیاست های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی مصوب

۱۳۸۶ مجلس شورای اسلامی و تأیید ۱۳۸۷ مجمع تشخیص مصلحت، اشاره می شود که پیش بینی می کند؛ مجازات اشخاص حقوقی به شرح زیر است:

۱- در صورت ارتکاب هر یک از جرائم موضوع مواد این فصل توسط اشخاص حقوقی، مدیران آن ها در زمان ارتکاب حسب مورد به مجازات مقرر در این قانون برای اشخاص حقیقی محکوم خواهند شد.

۲- چنان چه ارتکاب جرم توسط شخص حقوقی، در نتیجه تعمد یا تقصیر هر یک از حقوق بگیران آن انجام گیرد، علاوه بر آن چه که مشمول بند ۱ می شود، فرد مزبور نیز حسب مورد برابر مقررات این قانون مسئولیت کیفری خواهد داشت.

۳- چنانچه هر یک از مدیران یا حقوق بگیران اشخاص حقوقی ثابت کنند که جرم بدون اطلاع آنان انجام گرفته یا آنان همه توان خود را برای جلوگیری از ارتکاب آن به کار برده اند یا بلافاصله پس از اطلاع از وقوع جرم آن را به شورای رقابت یا مراجع ذی صلاح اعلام کرده اند؛ از مجازات مربوط به آن عمل معاف خواهد شد.^{۱۴} در صدر این ماده هر چند از تعبیر "مجازات اشخاص حقوقی" بهره گرفته شده است، ولی در بند یک این ماده باز هم به مدیران اشاره داشته و بنظر می رسد هدف از مجازات اشخاص حقوقی همان کیفر مدیران است نه خود شخص حقوقی.

اما بنظر می رسد؛ در قانون جرائم رایانه ای قانون گذار به بلوغ و تکامل مدنی و علمی رسیده و طبق ماده ۱۹ آن قانون و تبصره ۲ آن که می گوید:

(مسئولیت کیفری شخص حقوقی مانع مجازات مرتکب نخواهد بود و در صورت نبود شرایط صدر ماده و عدم انتساب جرم به شخص حقوقی فقط شخص حقیقی مسئول خواهد بود).

فی الواقع به نظر می رسد شخص حقوقی را در اولویت قرار داده و در گام بعد، به مسئولیت شخص حقیقی اشاره نموده است.

ماده ۲۰ قانون جرایم رایانه ای به ضمانت اجراهای شخص حقوقی مرتکب بزه رایانه ای می پردازد. بر پایه این ماده، «اشخاص حقوقی موضوع ماده فوق، با توجه به شرایط و اوضاع و احوال جرم ارتكابی میزان در آمد و نتایج حاصله از ارتکاب جرم، علاوه بر سه تا شش برابر حداکثر جزای نقدی جرم ارتكابی، به ترتیب ذیل محکوم خواهند شد:

الف) چنان چه حداکثر مجازات حبس آن جرم تا پنج سال باشد، تعطیلی موقت شخص حقوقی از یک تا نه ماه و در صورت تکرار جرم تعطیلی موقت شخص حقوقی از یک تا پنج سال. "ضمانت اجرای سالب حق (بطور موقت)"

^{۱۴} - کوشکی غلامحسن، سازمانهای غیردولتی از انفعال تا مشارکت رو به فعال در تعقیب دعوای عمومی با نگاهی به قانون آئین دادرسی

ب) چنان چه حداکثر مجازات حبس آن جرم بیش از پنج سال حبس باشد، تعطیلی موقت شخص حقوقی از یک تا سه سال و در صورت تکرار جرم، شخص حقوقی منحل خواهد شد.»

"در خصوص تکرار جرم قائل به ضمانت اجرای سالب حق بطور دائم شده، در حالی که در قانون مجازات اسلامی میزان مجازات شخص حقوقی را در صورت تکرار جرم مشخص ننموده است."^{۱۵} تعیین کیفر برای اشخاص حقوقی باید سازگار با چیستی و ویژگی های آن باشد؛ از این رو قانون مجازات اسلامی به سه کیفر جزای نقدی، تعطیلی موقت و انحلال می پردازد. کیفر نقدی مطلق و همگانی بوده و شخص حقوقی در برابر انجام هر بزه رایانه ای، محکوم به پرداخت آن خواهد بود. تعیین کیفر نقدی برای شخص حقوقی در دو گام انجام می گیرد. در گام نخست، حداکثر کیفر نقدی بزه رایانه ای پیش بینی شده در قانون که شخص حقوقی مرتکب شده است، لحاظ می شود.

و در گام دوم، با توجه به شرایط و اوضاع و احوال جرم ارتكابی، میزان در آمد و نتایج حاصله از ارتكاب جرم، حکم به سه تا شش برابر مبلغ حداکثر داده می شود. ولی بر پایه آن چه گفته شد، مسئولیت کیفری شخص حقوقی نسبت به همه جرایم رایانه ای پیش بینی شده در قانون های کیفری کنونی است و پیش بینی کیفر نقدی مشروط به پیش بینی این کیفر برای بزه رایانه ای مربوطه است و اگر کیفر نقدی پیش بینی نشده باشد، باید سراغ دو ضمانت اجرای تعطیلی موقت و انحلال رفت.

تعطیلی موقت نیز همانند جزای نقدی نسبت به همه بزه های رایانه ای ارتكابی شخص حقوقی اعمال می گردد، در حالی که انحلال شخص حقوقی تنها برای تکرار بزه رایانه ای است.

چنان چه حداکثر مجازات حبس جرم رایانه ای تا پنج سال حبس باشد (مانند بیشتر بزه هایی که در قانون جرایم رایانه ای پیش بینی شده)، تعطیلی موقت شخص حقوقی از یک تا نه ماه و در صورت تکرار جرم تعطیلی موقت شخص حقوقی از یک تا پنج سال، و چنان چه حداکثر مجازات حبس آن جرم بیش از پنج سال حبس باشد (مانند جاسوسی رایانه ای یا تروریسم رایانه ای)، تعطیلی موقت شخص حقوقی از یک تا سه سال و در صورت تکرار جرم، شخص حقوقی منحل خواهد شد.

تعیین کیفر شخص حقوقی وابسته به این است که برای بزه ارتكابی، کیفر نقدی و حبس یا دست کم یکی از این دو تعیین شده باشد و گر نه تعیین کیفر با چالش روبرو می شود. برای نمونه چنان چه مرتکب، اعمال مذکور در ماده ۱۴ قانون جرایم رایانه ای را حرفه خود قرار داده باشد یا به طور سازمان یافته مرتکب شود چنان چه مفسد فی الارض شناخته نشود، به حداکثر هر دو مجازات مقرر در این ماده محکوم خواهد شد.

^{۱۵} - محسنی، ف. ۱۳۸۹. تحولات مسئولیت کیفری شرکتها (از نظر تا عمل)، دیدگاههای حقوقی، سال ۱۵، شماره‌های ۵۱ و ۵۲، پاییز و زمستان.

مع الوصف اگر به تشخیص دادرس، رفتار شخص حقوقی، افساد فی الارض شناخته شود، چه کیفری باید تعیین شود؟ در این حالت، باید کیفر های متناسب برای شخص حقوقی و حقیقی گزینش شود به این صورت که بر پایه بخش پایانی تبصره که به تعیین حداکثر هر دو مجازات حبس و جزای نقدی می پردازد؛ برای شخص حقوقی هم کیفر نقدی و هم تعطیلی موقت و برای شخص حقیقی در صورت احراز مفسد فی الارض بودن، کیفر محاربه تعیین شود. (همان منبع)

تعیین کیفر برای شخص حقیقی به این دلیل است که با وجود مسئولیت کیفری شخص حقوقی، وی نیز باید پاسخگوی رفتار مجرمانه اش باشد، هر چند ادعا کند که بزه را برای سود شخص حقوقی و به نام وی انجام داده است. طبق تبصره ۲ ماده ۱۹ قانون جرائم رایانه ای، مسئولیت کیفری شخص حقوقی مانع مجازات مرتکب نخواهد بود و در صورت نبود شرایط صدر ماده و عدم انتساب جرم به شخص حقوقی، فقط شخص حقیقی مسئول خواهد بود.

اشخاص حقوقی تنها به جهت ارتکاب بزه های رایانه ای مسئولیت کیفری ندارند، بلکه ممکن است این مسئولیت برگرفته از عدم رعایت موارد قانونی در ارائه خدمات اینترنتی باشد. مسئولیت کیفری در این جا رفتارهای غیر عمدی را هم در بر می گیرد. قانون جرایم رایانه ای، ارائه دهندگان خدمات را به دو دسته ی ارائه دهندگان خدمات دسترسی و ارائه دهندگان خدمات میزبانی پیش بینی کرده است.

طبق ماده ۲۱ قانون جرایم رایانه ای ارائه دهندگان خدمات دسترسی موظفند طبق ضوابط فنی و فهرست مقرر از سوی کار گروه (کمیته) تعیین مصادیق موضوع ماده ذیل محتوای مجرمانه که در چهارچوب قانون تنظیم شده است اعم از محتوای ناشی از جرائم رایانه ای و محتوایی که برای ارتکاب جرائم رایانه ای به کار می رود را پالایش کنند. در صورتی که عمداً از فیلتر محتوای مجرمانه خودداری کنند، منحل خواهند شد و چنان چه از روی بی احتیاطی و بی مبالاتی زمینه دسترسی به محتوای غیر قانونی را فراهم آورند، در مرتبه نخست به جزای نقدی از بیست میلیون تا یکصد میلیون ریال و در مرتبه دوم به جزای نقدی از یکصد میلیون تا یک میلیارد ریال و در مرتبه سوم به یک تا سه سال تعطیلی موقت محکوم خواهند شد.

در ماده بالا تعبیر "منحل خواهند شد" نشان می دهد که درون مایه ماده تنها بر اشخاص حقوقی بار می گردد و گر نه انحلال نسبت به اشخاص حقیقی بار نمی گردد.^{۱۶} همچنین بر پایه ماده ۲۳ قانون جرایم رایانه ای ارائه دهندگان خدمات میزبانی موظفند به محض دریافت دستور کار گروه (کمیته) تعیین مصادیق مذکور در ماده فوق یا مقام قضایی رسیدگی کننده به پرونده مبنی بر وجود محتوای مجرمانه در سامانه های رایانه ای خود از ادامه دسترسی به آن ممانعت به عمل آورند. چنان چه در اثر بی احتیاطی و بی مبالاتی زمینه دسترسی به محتوای مجرمانه مزبور را فراهم کنند، در مرتبه نخست به جزای نقدی از بیست میلیون تا یکصد میلیون ریال و در مرتبه دوم به یکصد میلیون تا یک میلیارد ریال و در مرتبه سوم به یک تا سه سال تعطیلی موقت محکوم خواهند شد.

^{۱۶} - معطری، سیامک (۱۳۹۰)، مجموعه مقالات ارتباط تشکلی های داوطلب مردمی با دولت، صفحه ۷۲

ارتکاب اعمال مجرمانه ای که آثار مخرب جبران ناپذیری را به دنبال دارد و معمولاً در لوای شخص حقوقی و با بهره گیری و انتفاع شخصی از امکانات وی محقق می گردد، و با برجسته شدن بزه هایی مانند بزه های اقتصادی، فساد و بزه های سازمان یافته از یک سو و گسترش خصوصی سازی و بنیاد گیری شرکت ها و سازمان های خصوصی بسیار از سوی دیگر، سبب شد تا قانونگذار ایران و اقدام به پیش بینی مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی نماید.

مجازات های اصلی و تتمیمی

جزای نقدی در زمره مجازات های اصلی و یا تتمیمی است و عبارت است از الزام محکوم علیه به استناد حکم محکومیت به پرداخت مبلغی وجه نقد به نفع دولت.

محکومیت شخص حقوقی به جزای نقدی در صورتیکه با سود و منافع حاصل از بزهکاری متناسب باشد، می تواند بسیار مفید باشد. اغلب منافع مالی که اشخاص حقوقی در اختیار دارند بسیار وسیع است و قابل قیاس با منابع مالی تحت اختیار اشخاص حقیقی نیست. طبعاً در صورت ارتکاب جرم اثرات زیانبار شدیدتری هم دارد و تعیین جزای نقدی متناسب بسیار مؤثر می باشد.

چه بسا اگر جزای نقدی سنگین تعیینی از سوی مراجع قضائی موجبات فروپاشی شخص حقوقی را فراهم نماید، ممکن است عوامل مطلع در راستای جلوگیری از این امر، اطلاعات لازم را در اختیار مرجع قضائی بگذارند.^{۱۷} مصادره یا ضبط اموال عبارت است از؛ استیلائی دولت بر تمام یا قسمتی از دارایی موجود محکوم علیه به موجب حکم دادگاه. دستور مصادره ممکن است عام یا خاص باشد.

در مصادره عام، توقیف تمام اموال موجود محکوم علیه اعم از نقدی و غیر نقدی، منقول و غیر منقول است.

در مصادره خاص، بخشی از اموال که بعضاً موضوع جرم یا محصول جرم و یا آلت جرم است مورد مصادره قرار می گیرد.

در خصوص مصادره اموال اشخاص حقوقی بنظر می رسد هدف مورد نظر از مجازات بخوبی بدست می آید. خصوصاً اگر موضوع فعالیت شخص حقوقی اعمال خلاف قانون یا بزهکارانه مثل قاچاق اسلحه یا مشروبات الکلی باشد، با مصادره اموال بدست آمده از ارتکاب جرم، تحصیل حاصل می گردد.

^{۱۷} - نمایان، پ. ۱۳۸۶. سیاست تقنینی ایران در قبال مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، ماهنامه شماره ۶۶، سال ۱۱، بهمن و اسفند.

ضمانت اجراهای ملایمی

در ابتدا لازم به یادآوری می‌دانم که در اعمال مجازات‌ها همانطور که قبلاً هم آمد می‌بایست تناسب جرم و مجازات رعایت شود. در تقسیم بندی فوق که تحت عنوان ضمانت اجراهای مالی و غیرمالی آمده، مجازات‌های غیر مالی نیز می‌توانند بسیار مؤثر باشند، البته در صورتیکه قانون گذار اهتمام و توجه بیشتری به آن می‌نمود، برای مثال تعلیق مجازات یا انجام فعالیت‌های مفید اجتماعی یا تخفیف و تبدیل مجازات می‌تواند از ضمانت اجراهای مؤثری باشد که علاوه بر اصلاح شخص حقوقی، موجبات بازسازی او را نیز فراهم نماید.

تعلیق مجازات جزء ضمانت اجراهای ملایمی است که می‌تواند در راستای معرفی مجرم واقعی به مرجع قضایی باشد، یا اینکه تعلیق می‌تواند با هدف اصلاح ساختار شخص حقوقی و تنبیه و مجازات درون سازمانی توسط شخص حقوقی، و البته با نظارت قوی و مستمر نیروهای کنترلی و نظارتی محقق گردد. یا با انجام فعالیت‌های عام المنفعه و شرکت مستمر در امور خیریه، و مواردی از این قبیل سعی در اصلاح این اشخاص نمود.

اگر چه در موارد زیادی اعمال ضمانت اجراهای مالی بسیار مؤثر است، اما به تناسب اشخاص حقوقی مختلف ممکن است تأثیر و بازده اعمال مجازات‌ها متفاوت باشد، صرفاً اعمال یک مجازات مؤثر باشد، یا برعکس اعمال چندین مجازات همزمان هم کارساز نباشد. (شفایی، ع، ۱۳۸۷: ۴۰)

اعلان عمومی محکومیت کیفری شخص حقوقی از آن دست مجازات‌هایی است که می‌تواند در متنبه نمودن شخص حقوقی بسیار مؤثر باشد. زیرا مجازات‌های نقدی با گذشت زمان قابل جبران هستند، اما زمانی که صحبت از حیثیت و سابقه و شهرت و اعتبار و خدمت و قدرت و قدمت شخص حقوقی، که با گذشت زمان و با زحمات بسیار بدست آمده، در میان باشد، چیزی نیست که به راحتی قابل اعاده باشد و این مجازات در جای خود می‌تواند بسیار مؤثر باشد.

این ضمانت اجراها که به تناسب شدت، و عمق فاجعه جرائم ارتكابی تعیین می‌شود ممکن است به طور موقت (محدود کننده حق) یا بطور دائم (سالب حق) باشد. فی‌المثل شخص حقوقی که در امور تولیدی فعالیت دارد یا نمایندگی برند شناخته شده ای را دارد، در صورت انحراف از موضوع و سیاست‌های اصلی شرکت که تولیدی است، اقدام به احتکار یا قاچاق یا هر فعل مجرمانه ناقض قانون، مجرم شناخته شده و قابل مجازات است و بنظر می‌رسد با توجه به تعداد دفعات ارتكاب جرم و سوءنیت شخص حقوقی، بایستی مجازاتی متناسب با فعل مجرمانه اش بر او تحمیل شود. مجازاتی نظیر تحریم تولید که به تناسب می‌تواند دائم یا موقت باشد.

انحلال شخص حقوقی، همانند اعدام اشخاص حقیقی اینگونه قابل تعبیر است که ؛

هدف از مجازات اصلاح و بازسازی بزهکار برای زندگی دوباره در اجتماع، البته بدون تکرار جرائم ارتكابی پیشین است، اما زمانی که قانون و جامعه از اصلاح بزهکار ناامید و ناتوان می‌شود ناگزیر به حذف او، جهت حفظ امنیت و آرامش در جامعه می‌گردد و حق

حیات را از او کلاً سلب می نماید. به تعبیری انحلال نیز می تواند به سان مرگ شخص حقوقی باشد. البته در قانون جرائم رایانه ای تکرار جرم، از علل مشدده و النهایه انحلال شخص حقوقی می باشد. یا به تعبیری شاید بتوان فی المثل بستن احد از شعب یا زیرشاخه های شخص حقوقی را، در حالیکه شعبه مادر کماکان به فعالیت خود ادامه می دهد را به قطع عضو بزهدار تشبیه نمود.

منع از اشتغال به کسب یا شغل یا حرفه خاص با هدف جلوگیری از اجتماع عوامل جزایی است، که حرفه یا شغل مذکور اسباب آن را فراهم می سازد. پس حکم دادگاه در تتمیم حکم اصلی بازدارنده است.

برای مثال زمانی که بیم آن می رود شخص حقوقی مورد نظر، در صورت اشتغال به حرفه خاص که قبلاً هم مشغول به آن بوده، مجدداً مرتکب اعمال مجرمانه شود، بهتر است از اشتغال به آن حرفه، حسب تصمیم مقام صلاحیتدار به طور دائم یا موقت منع شود.^{۱۸} هدف مهم از ممنوعیت شغلی، پیشگیری از تکرار جرم است که بیش از همه به اقدامات تأمینی شباهت دارد.

طبق تبصره ۳ ماده ۱۴ قانون جرائم رایانه ای نیز ارتکاب بزه در صورتیکه بعنوان حرفه شخص حقوقی باشد، از علل مشدده محسوب می گردد.

بعبارت دیگر بهتر است اشخاص اعم از ؛ حقیقی و حقوقی، از اشتغال مجدد به حرفی که بیم وسوسه مجدد آنها به سمت ارتکاب بزه می رود منع شوند.

یکی از راه های خنثی سازی معایب جزای نقدی بخصوص نوسان ارزش پول و یا عدم توان مالی شخص حقوقی در پرداخت آن این است که در صورت ضرورت، مجازات سنگینی علیه شخص حقوقی مجرم تحمیل شود، این مجازات نه بصورت نقدی و یا ضبط اموال بلکه بصورت اوراق بهادار می باشد به این مفهوم که شخص حقوقی محکوم، بعنوان مثال یک شرکت تجاری مجبور شود تعدادی از سهام خود را که ارزش آن برابر میزان جزای نقدی جرم مربوطه باشد، بعنوان پرداخت غرامت به مجنی علیه جرائم بخصوصی اختصاص دهد. (یا در راستای تنبیه در صورت لزوم از صدور هرگونه سند یا افزایش سرمایه، که از موجبات قدرت و اعتبار هر شخص حقوقی می باشد منع شود). مثلاً در جرائم علیه محیط زیست به مؤسسات حفاظت از محیط زیست و یا در جرائم علیه حقوق مصرف کنندگان به سازمان های حمایت از مصرف کننده اختصاص دهد. سودمندی این روش وقتی نمایان می شود که بدلیل منابع محدود مالی یک شرکت، میزان جزای نقدی قابل توجه، را که متناسب با شدت جرم ارتکابی باشد نتوان اعمال نمود.

البته در خصوص ۲ مورد اخیر بایستی از ارتکاب بزه توسط شخص حقوقی اطمینان حاصل نمود، زیرا ۲ مجازات اخیر می تواند ناشی از تخلف صورت پذیرفته در تشکیل مجامع و رعایت حدالانصاب های تعیینی در قانون باشد. اما از آنجائی که در مبحث مجازاتهای اشخاص حقوقی مطرح شده، نمی تواند ناشی از تخلفات اداری باشد، بلکه مجازاتی است که متعاقب ارتکاب بزه بر

^{۱۸} - کاتوزیان، ن. ۱۳۸۰. فلسفه حقوق، جلد اول، چاپ دوم، تهران: شرکت سهامی انتشار. صفحه ۶۵

مرتکب بار می شود.^{۱۹} در پایان این گفتار آنچه لازم بذکر است اینکه؛ اگر چه جامعه مدنی و قانون مجازات عرفی اعمال مجرمانه ارتكابی توسط شخص حقوقی را محکوم و قابل مجازات می داند، اما با عنایت به تازگی پذیرش مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، به احتمال زیاد مجازاتهای تعیینی در قانون مجازات جوابگوی همه جرائم ارتكابی توسط اشخاص اخیر الذکر نبوده و می بایست به فکر کیفردهی متناسب با شخصیت آن ها باشیم، و صرف فقدان مجازات، دلیل بر مصونیت نمی باشد.

لذا در راستای مجری نمودن عدالت در جامعه و نسبت به افراد آن، بایستی به دنبال رعایت تناسب کیفر تحمیلی به شخص حقوقی، با توجه به دفعات و اثرات زیانبار و عواقب ناشی از ارتکاب جرم بر افراد و جامعه بود. کیفرها به تناسب شخصیت ها باید اعمال شود تا اثرات مطلوب خود را نمایان کند. مجازات مالی یا انجام خدمات عام المنفعه یا سایر مجازاتها اگر بطور تکراری و یکنواخت، و بدون در نظر گرفتن شخصیت و میزان تأثیر آن اعمال شود، به هیچ عنوان نتایج مطلوبی نخواهد داشت.

ضمن اینکه مطلوب تر است این کیفر دهی با توجه به اعتبار و ارزش و جایگاهی که شخص حقوقی دارد اعمال شود، تا نتیجه مورد نظر سهل الوصول تر باشد. مع الوصف اگر چه مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مورد پذیرش قرار گرفت و این گامی بلند در راستای هم سوئی با جامعه مدنی کنونی به شمار می آید. اما باید جانب اعتدال را در این خصوص همواره رعایت نمود و این بایی برای گسترش جرم انگاری افعال اشخاص حقوقی نشود، زیرا با توجه به نیاز امروز و گسترش روزافزون ارتباطات، نباید نگاهی جرم انگارانه به این اشخاص داشته باشیم و با تصویب قوانین جزایی مختلف آنها را در تنگنا قراردهیم، زیرا در اینصورت خود را از پیشرفت و صنعتی شدن و پیوستن به جامعه جهانی باز می داریم. و در هر زمینه می بایست از نگاه افراطی به مسائل اجتناب نمائیم.

در راستای انتساب مسئولیت کیفری به شخص حقوقی، بایستی از ارتکاب بزه توسط شخص اخیر الذکر، با احراز سوءنیتش مطمئن شد.^{۲۰} چنانچه شخص حقوقی از اهداف و موضوعی صوری تبعیت نماید یا در مسیر فعالیت از سیاست ها و اهداف و موضوع اصلی خود منحرف شود و یا اینکه قوانین صریح مملکتی را نقض نماید و یا مدیر و نماینده ای بزهکار و غیرمتعهد برگزیند. و یا در میانه راه از ارتکاب بزه توسط مدیر و نماینده خود مطلع شود اما اقدامی ننماید. اینها و مواردی نظیر این ها می تواند از جمله موارد بزهکار شناختن شخص حقوقی باشد. که جملگی قابل کیفر دهی و محکومیت شخص حقوقی می باشند.

^{۱۹}- ژوردن، پ. ۱۳۸۵. اصول مسئولیت مدنی، ترجمه مجید ادیب، چاپ دوم، تهران: انتشارات میزان. صفحه ۶۱

^{۲۰}- آقایی جنت مکان، ح. ۱۳۹۰. حقوق کیفری عمومی، جلد دوم، چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل. صفحه ۱۰۵

نتیجه گیری

انسان طبعاً دارای حقوق و تکالیفی است که قهراً باید انجام دهد. حق و تکلیف به عهده انسان است. بنابراین می توان گفت برای غیر انسان نه حقی می توان قائل شد و نه تکلیفی برقرار نمود. ولی گاهی اتفاق می افتد که به علل خاصی عده ای از مردم برای منظور معینی اجتماع نموده و شخصیتی حقوقی را به وجود می آورند مثل دولت و یا اشخاص عمومی غیردولتی که به خودی خود دارای شخصیت و حق و تکلیف می باشند که از مجموع شخصیت حقیقی تشکیل شده و می توانند وظیفه یک شخص را از قبیل خرید و فروش و اداره امور شهر، انجام دهند پس با توجه به اراده جمعی و مشترکی که در مورد اشخاص حقوقی مطرح است، این اشخاص در مورد قصد و اراده شبیه اشخاص حقیقی هستند و دارای تکالیف و مسولیت می باشند؛ یعنی وقتی که یک شخص حقوقی یک تصمیم می گیرد که جنبه جزایی دارد، در حقیقت قصد مجرمانه و اراده انحرافی خود را بروز داده است و در نتیجه عنصر روانی جرم را دارا است و به مثابه انسان دارای مسولیت کیفری می باشد، که البته دولتها زیر بار مسولیت کیفری نمی روند و مشکل اساسی شناسایی مسولیت کیفری دولت هاست چرا که خودمجرمی و حاکم می باشند و علاقه وافری به حاکمیت دارند و هیچ گاه نمی خواهند به آن خدشه ای وارد گردد.

اما در مورد اشخاص عمومی غیر دولتی که یکی از اقسام موسسات عمومی و عهده دار بخشی از امور عمومی می باشد و براساس اصل عدم تمرکز فنی بنا شده است و دارای شخصیت حقوقی و جدا از سازمان مرکزی دولت است مجازات و مسولیت های بیشتری برای آن نهاد پیش بینی شده است. مسوولیت کیفری اشخاص حقوقی از چالش های بنیادین حقوق کیفری ایران است که تا قبل از تصویب قانون جرایم رایانه ای در سال ۱۳۸۸، اصل بر نپذیرفتن آن بود. پذیرش مسوولیت کیفری اشخاص حقوقی، دگرگونی-هایی در قواعد عمومی حقوق کیفری و نیز سنجه های رسیدگی به اتهامات اشخاص حقوقی پدید می آورد که هر یک، دیدگاه های بسیاری را پیش می کشد که از این پس در نظام حقوقی ایران مطرح خواهند شد. و یکی از آثار مثبت پذیرش مسولیت کیفری این است که باعث می شود اشخاص حقیقی عضو شخصیت حقوقی یاسهام داران آن در انتخاب مدیران و نمایندگان شخص حقوقی دقت و احساس مسولیت بیش تری مبذول دارند و پیوسته بر کار آنان نظارت نمایند.

امروزه با گسترش شکل گیری شخصیت های حقوقی و نقش فراگیری که دارند و امکانی که در شکل گیری جرایم بزرگ از سوی این اشخاص فراهم است، نمی توان شاهد نقض هنجارهای اجتماعی و شکسته شدن حریم افراد جامعه از سوی اشخاص حقوقی بود و چشم بر واقعیت ها بست و مردم و جامعه را در برابر گزند ناشی از سوء رفتار آنان به حال خود رها ساخت واز آنان دفاع نمود، بکله منطقی حکم می کند با نقض قانون و هنجار اجتماعی بدون تبعیض برخورد شود از این رو در این تحقیق سعی بر آن داریم که ابتدا مسولیت کیفری و سپس چالش های تحمیل این مسولیت بر دولت و اشخاص عمومی غیر دولتی مورد بررسی قرار دهیم.

منابع:

۱- فرج اللهی، ر. ۱۳۸۹. تاثیر جرم شناسی اثبات‌گرا بر مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، مجله تحقیقات حقوقی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ویژه نامه شماره ۲، بهار و تابستان.

۲- معطری، سیامک (۱۳۹۰)، مجموعه مقالات ارتباط تشکلهای داوطلب مردمی با دولت،

۳- ره پیک، ح. ۱۳۹۰. حقوق مسئولیت مدنی و جبران‌ها، چاپ پانزدهم، تهران: انتشارات خرسندی.

۴- زراعت، ع. ۱۳۹۲. شرح مختصر قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲)، تهران: ققنوس،

۵- شریف، ع. ۱۳۹۰، انتساب مسئولیت کیفری به اشخاص حقوقی و نهادهای دولتی، مجله کانون وکلای دادگستری مرکز، شماره ۲۱۲، بهار.

۶- زراعت، ع. ۱۳۹۲. شرح مختصر قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲)، تهران: ققنوس،

۷- کوشکی غلامحسن، سازمانهای غیردولتی از انفعال تا مشارکت رو به فعال در تعقیب دعوی عمومی با نگاهی به قانون ائین دادرسی کیفری، ۱۳۹۲، دوره ۲، شماره ۴،

۸- محسنی، ف. ۱۳۸۹. تحولات مسئولیت کیفری شرکت‌ها (از نظر تا عمل)، دیدگاه‌های حقوقی، سال ۱۵، شماره‌های ۵۱ و ۵۲، پاییز و زمستان.

۹- معطری، سیامک (۱۳۹۰)، مجموعه مقالات ارتباط تشکلهای داوطلب مردمی با دولت،

10- نمامیان، پ. ۱۳۸۶. سیاست تقنینی ایران در قبال مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، ماهنامه شماره ۶۶، سال ۱۱، بهمن و اسفند.

11- کاتوزیان، ن. ۱۳۸۰. فلسفه حقوق، جلد اول، چاپ دوم، تهران: شرکت سهامی انتشار.

12- ژوردن، پ. ۱۳۸۵. اصول مسئولیت مدنی، ترجمه مجید ادیب، چاپ دوم، تهران: انتشارات میزان

13- آقایی جنت مکان، ح. ۱۳۹۰. حقوق کیفری عمومی، جلد دوم، چاپ اول، تهران: انتشارات جنگل.